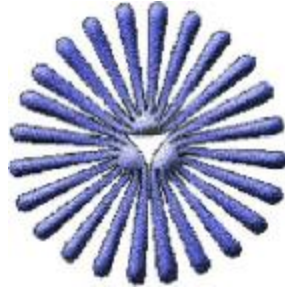


بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ



دانشگاه پیام نور

دانشکده علوم انسانی

گروه علمی تاریخ

عنوان پایان نامه :

بررسی تشکیلات نظامی در دوره رضا شاه

نگارش :

مجتبی صادق ترکی

استاد راهنما :

دکتر علیرضا علی صوفی

استاد مشاور :

دکتر داریوش رحمانیان

پایان نامه

برای دریافت درجه کارشناسی ارشد

در رشته تاریخ ایران دوره اسلامی

مرداد 1389

سپاسگزاری

این پژوهش محصول زحمات آموزگاران و اساتید بسیارست. اکنون برخی از این آموزگاران رخ در نقاب خاک کشیده اند، بی آنکه فرصتی برای تقدیر از آنها فراهم آید.

در اینجا لازم می دانم از استاد عزیز و ارجمندم، دکتر ابراهیم اصلانی کمال تشکر و قدردانی را به جای آورم که الگوی تحصیلی و اخلاقی بنده بوده اند.

از استاد گرامی، دکتر علیرضا علی صوفی برای پذیرش راهنمایی این پژوهش و رهنمودهای مؤثرشان، کمال تشکر را دارم. دقت و نکته بینی های ایشان برای بهبود و کیفیت این پژوهش بسیار مغتنم بود. از آقای دکتر داریوش رحمانیان نیز برای ارائه دیدگاهها و توصیه های علمی شان و پذیرش مشاوره این پایان نامه قدر دانی می کنم.

از اساتید بزرگی چون، دکتر نصیری و دکتر شیخ نوری برای داوری این پایاننامه و اظهار نظرها و پیشنهادهای سودمند شان سپاسگذارم.

و سر انجام مایلم از همسرم رویا نوروزی، تشکر کنم. او که بیش از یک سال صبورانه با مشکلات و محدودیت های زندگی دانشجویی خود را وفق داد و مرا یاری کرد. اوقات قابل توجهی از آنچه که در این مدت صرف آموزش و پژوهش کرده ام، متعلق به وی بود و جز با فداکاری او، این مسیر طی نمی شد.

چکیده

در اواخر دوران قاجار، حضور قوای نظامی بیگانگان در کشور، موجب شد ایران در مرز سقوط و پراکندگی به سر ببرد. به این ترتیب، نبود قوای یکپارچه، ایلات و عشایر را با کمک کشورهای خارجی یاغی کرده بود. با ظهور فردی با نام رضاخان آلاشتی با کمک انگلیسی ها، رفته رفته کاستی های ارتش بر طرف گردید و همین ارتش نوپا به عنوان پایگاهی شد تا بتواند سایر نیروهای کشور را تحت تابعیت خود قرار دهد و به عنوان شاه ایران بر اریکه سلطنت تکیه زند.

رضاخان توانست قوای بیگانه را از کشور خارج نموده و نیروهای گوناگون کشور را در هم ادغام و یکدست نماید. سپس ارتش را با قوای سه گانه و تجهیزات نظامی پیشرفته و دانش روز دنیا مجهز نمود. وی برای کمبود بودجه کشور در راستای اقدامات نظامی، تمهیداتی اندیشید که نمونه آن در اختیار گرفتن مالیاتهای غیر مستقیم است. همچنین برای دستیابی به منابع مالی و خواسته هایش از هیچ کوشش و تجاوزی کوتاهی ننمود.

با دستیابی رضاخان به مقام اولین فرد کشور، وی موفق شد با کمک ارتش، بیگانگان را از ایران اخراج نماید و از جهتی دیگر ایلات و عشایر یاغی را سرکوب کند. اما افراطی که در جهت ایجاد ارتش و سرکوبی عشایر به کار برد، موجب نارضایتی و تنفر و انزجار مردم از قوای نظامی گشت. همچنین در راستای رفع کمبودهای ارتش مجبور به استخدام مستشاران آلمانی شد. همین موضوع بهانه ای را به دست متفقین داد تا بی طرفی ایران را در جنگ جهانی دوم نقض کنند و بی درنگ وارد خاک کشور شوند.

بنابراین در این پژوهش سعی شده با تکیه بر اسناد و منابع موجود، ساختار تشکیلات نظامی و ارتش رضاخان و تحولات و دگرگونیهایی که در این خصوص صورت گرفته است، بررسی و تبیین گردد.

کلید واژه: رضا شاه، نیروی زمینی، نیروی دریایی، نیروی هوایی، متفقین

فهرست

صفحه	
1	1-1:مقدمه
3	1-2:بیان مساله
3	1-3:سئوالات
4	1-4:فرضیات
4	1-5:اهداف
4	1-6:ضرورت و اهمیت تحقیق
5	1-7:روش انجام تحقیق
5	1-8:بررسی و معرفی منابع
	فصل دوم: رضا شاه در آستانه قدرت گیری
8	2-1:سیر زندگی رضا شاه
17	2-2:نگاهی به نیروی نظامی ایران در دوره قاجار
24	2-3:نیروهای قزاق
34	2-4:امنیه یا ژاندارمری
53	2-5:بریگاد مرکزی
56	2-6:ادغام نیروهای سه گانه
	فصل سوم: نیروهای سه گانه
68	3-1:نیروی زمینی
81	3-2:نیروی دریایی
94	3-3:نیروی هوایی
	فصل چهارم: آموزش و نهادهای اداری
109	4-1:نظام اجباری
117	4-2:نهادهای اداری
122	4-3:آموزشگاهها و دانشگاههای نظامی

133	4-4:بودجهٔ تشکیلات نظامی
	فصل پنجم:تصمیمات نظامی رضا شاه
140	5-1:برخورد با ایلات و عشایر
148	5-2:نارضایتی مردم از تشکیلات نظامی
156	5-3:تصمیمات رضا شاه برای ارتباط با کشورهای خارجی و عکس العمل آنه
165	5-4:رضاشاه و متفقین در شهریور 1320
176	نتیجه
179	تصاویر
208	منابع و مآخذ
214	اعلام

فصل اول: کلیات تحقیق

1-1: مقدمه

تحوّل ساخت و سرشت دولت سنتی در ایران و استقرار دولت مدرن و نقش ارتش در این فرآیند، یکی از مسائل مهم و مورد توجه پژوهشگران تاریخ است .

بالتبع یکی از ارکان قدرت و نفوذ هر کشور در منطقه خود، داشتن یک ارتش قدرتمند و یکپارچه می باشد. این در حالی است که ساخت سنتی دولت و ارتش ایران قرن نوزدهم، دیگر مضمحل شده بود. به این ترتیب کشور ایران بدون ارتش، در مرز سقوط و از هم پاشیدگی به سر می برد. پس یک ارتش نقش امنیت و پاسداری یک ملت را ایفا می نماید. به عبارت دیگر اعتبار و عظمت هر کشور با قدرت نظامی یک رابطه دو سویه دارد. هر چه سازمان نظامی یک کشور قوی تر باشد، آن کشور قدرتمندتر و هر چه تشکیلات نظامی اش ضعیف تر باشد، طبیعتاً در منطقه خود از اعتبار کمتری برخوردار است .

با این اوصاف قبل از ورود به بحث مورد نظر، باید ابتدا به بررسی تشکیلات نظامی اواخر دوره قاجار پردازیم . اولاً به دلیل اینکه سازمانهای نظامی مانند زنجیره ای به هم متصل می باشند و ثانیاً از این

طریق بهتر می توانیم وارد محدوده پهلوی اول شویم و چگونگی دگرگونی و تحولات دوره رضا شاه را مورد بررسی قرار دهیم .

در فصل سوم پایانامه به نیروهایی میپردازیم که تا عصر رضاخان ، ایرانیان رویای آن را در سر می پروراندند . نیروی زمینی سازمان یافته ، نیروی هوایی جدیدالتاسیس و نیروی زمینی ای قدرتمند.

پس از این به چگونگی یکپارچگی ارتش و نوآوریهای شاه ایران در این حیطه می پردازیم بدین ترتیب فصل چهارم دربرگیرنده ی آموزشگاهها و دانشگاههای نظامی کشور و تدابیر رضاخان برای رفع کاستیهای مادی و انسانی ارتش می باشد . سپس با تجزیه تحلیل مطالب کار خود را ادامه می دهیم .

هر طلوعی یک غروب را پشت سر خود به همراه دارد . همانطور که شروع و سرآغاز ارتش شاهنشاهی دارای اهمیت می باشد ، به همان ترتیب سیر ارتش و تشکیلات نظامی آن و همچنین چگونگی فروپاشی و نزول این سازمان ، بسیار حائز اهمیت است . هر کدام از موارد فوق دارای دلایل مختص به خود می باشد و خواهان پژوهش بسیاری است . به هر ترتیب، در حد توان سعی بر این شده تا زوایای تاریک و مبهم تشکیلات نظامی تجزیه و تحلیل گردد .

وجود منابع دسته اول ، یکی از عوامل برتری کیفیت ، هر پایانامه ، مقاله و کارهای پژوهشی می باشد . پایانامه ارائه شده می توانست به روزنامه و مجلات ذیل مزین گردد . سواره نظام ، پیاده نظام ، مجله ارتش ، نیروی هوایی ، مهنامه ارتش ، نیروی زمینی ارتش ، پیک دریا : نیروی دریایی شاهنشاهی . همچنین کتابهایی از قبیل کتاب « رضا شاه کبیر » انتشار مرکز پژوهش و نشر فرهنگی و سیاسی دوران پهلوی ، نیز از آن جمله از منابع دسته اول به شمار می آیند . اما متأسفانه به دلایل مختلف از ارائه این منابع به بنده خودداری نمودند . به طبع ، نویسنده این پایانامه به این نقص واقف است و انتظار آن را دارد که خواننده نیز از این مشکل آگاه شود .

یکی دیگر از مشکلات در زمینه بررسی تشکیلات نظامی رضا شاه ، مسأله بودجه نظامی می باشد . چرا که شاه ایران اسناد مربوط به مسائل مالی ارتش را از بین می برد . به همین دلیل در ارائه آمار دقیق بودجه مصرفی تشکیلات نظامی ، با مشکل مواجه می شویم .

2-1: بیان مسئله

در اواخر دوره قاجار ایران دارای ارتش از هم گسیخته و نا کارآمدی بود. اما با ظهور فردی به نام رضاخان شصت تیر اوضاع عوض گردید. رضاخان در یک خانواده ای نظامی بزرگ شد و سراسر زندگی خود را در ارتش سپری نمود. پس از اینکه توانست قدرت را در کشور بدست بگیرد، تمام حواس خود را معطوف ارتش و پی ریزی قوای یکپارچه نمود. انگیزه این پژوهش در همین اثناء بوجود آمد که چرا رضاخان در پی ایجاد ارتشی قدرتمند بود و بیشتر از سایر مسائل کشور به آن بها می داد و از سوی دیگر قسمت عظیمی از سرمایه کشور را صرف این راه می نمود؟ در این میان به نکته دیگری نیز توجهمان جلب گردید که با تمام تلاشها و هزینه های هنگفت در راستای ارتش، با کوچکترین تلنگر قوای بیگانه از هم پاشیده شد و منحل گردید.

3-1: سوالات

سوالات اصلی:

- 1- علت توجه بیش از حد رضا شاه به ارتش و تشکیلات در مقایسه با سایر امور کشور چیست؟
- 2- چرا ارتش رضا شاه با توجه به مدرنیزه شدن و تجهیزات و تسلیحات جدید در برابر حمله متفقین مقابله نکرد و مقاومت های جزئی به زودی تار و مار شد؟

سوالات فرعی:

- 1- ساختار ارتش و تشکیلات نظامی دوره رضا شاه چه تفاوتی با دوره قبل از او داشته است؟
- 2- با وجود تمحیدات رضا شاه و هزینه های گزاف در جهت بهبودی ارتش و تشکیلات نظامی، آیا رضا شاه توانست ارتشی مطابق با آمال و آرزوهای خود ترتیب دهد؟
- 3- آیا خرید تسلیحات جدید نظامی، توسط رضا شاه برای ارتش و کشور مفید واقع شد، یا تنها هزینه ای سنگین بر دوش مردم محسوب می شد؟
- 4- آیا قانون نظام اجباری رضا شاه برای فرار از اتکا به قبایل عشایری مؤثر واقع شد؟
- 5- با وجود هزینه های گزاف برای تحصیل افسران نظامی در خارج از کشور، آیا برای پیشرفت نظامی ایران، مؤثر بودند؟

6- آیا سیاست های رضا شاه در برخورد با عشایر، درست و به جا بود، یا ضعف در تصمیم گیری و سیاست وی در این برخورد محسوب می شود؟

4-1: فرضیات

- 1- ضرورت برقراری استقرار دولت مقتدر مرکزی در ایران برای انگلیس .
- 2- نداشتن پایگاهی ایلپاتی رضا خان و عدم وابستگی او به خاندان شاهی .
- 3- ارتش رضا شاه به دلیل نداشتن پایگاه مردمی در مقابل متفقین شکست خورد.

5-1: اهداف

دستیابی به مقاصد اصلی رضا شاه از بوجود آوردن تشکیلات نظامی قدرتمند، از جمله اهداف این پژوهش را تشکیل می دهد . علاوه بر مطلب فوق می توان به مواردی چون ، بررسی سیاست های نظامی رضا شاه و تأثیر این تصمیمات بر روند کشور اشاره نمود . بالطبع یکی از اهداف این تحقیق ، کارآمدی یا ناکارآمدی بودن ارتش می باشد .

6-1: ضرورت و اهمیت تحقیق

ضرورت و اهمیت پژوهش و تحقیق در مورد بررسی تشکیلات نظامی رضاشاه بر می گردد به این موضوع که در این دوران ارتشی با مقیاس های روز دنیا در ایران دایر گردید و یک قوای یکپارچه و یک شکل ، پس از چندین قرن بر سراسر کشور سیطره افکند . ایجاد نیروی هوایی برای نخستین بار در کشور و تشکیل نیروی دریایی یکپارچه پس از سالها ، همگی گویای اهمیت این موضوع می باشد . از جهتی دیگر همین ارتش به عنوان یکی از ارکان اصلی پادشاهی در دوران پهلوی اول قرار گرفت و بیشترین توجه پادشاه کشور را به خود معطوف گرداند . همچنین در این دوره نظامیان جزء قشر بالا و تأثیرگذار جامعه به شمار می آمدند . به همین دلایل تشکیلات نظامی در دوره رضاشاه ، جای پژوهش و بررسی زیادی دارد .

1-7: روش انجام تحقیق

در پایانامه مورد نظر ابتدا سعی بر این شده تا با استفاده از منابع کتابخانه ای و اسنادی و همچنین روزنامه های مرتبط با موضوع تشکیلات نظامی رضاشاه، به توصیف شرایط نظامی پرداخته، سپس با شواهد و مدارک به دست آمده به تجزیه و تحلیل مطالب کار خود را ادامه دهیم. بدین ترتیب روش تحقیق این پایانامه کتابخانه ای و اسنادی می باشد که با توصیف و تحلیل همراه است.

1-8: بررسی و معرفی منابع

1- قبل از بررسی تشکیلات ایران در دوره رضا شاه، ابتدا باید مروری بر ارتش نظامی دوره قاجار داشته باشیم. یکی از کتابهای مهم در جهت این منظور، «تاریخ نظامی ایران» اثر معلم تاریخ و جغرافیا «جمیل قوزانلو» می باشد. این کتاب در سال 1315 در دو جلد نگاشته شده است. جلد اول آن، مربوط به تحولات نظامی قبل از سال 1776 میلادی است و جلد دوم آن دوران جدید نظامی از سال 1871 تا آخر سلطنت مظفرالدین شاه که نویسنده این دوران را دوره انحطاط ارتش می نامد، را دربر می گیرد. این کتاب از منابع مهمی تغذیه شده است و همچنین جزو کتابهای نفیس چاپ صربی هم می باشد. از مزایای این کتاب دور بودن از جانبداری و رعایت اصل بی طرفیست. از معایب آن هم عدم وجود ارجاعات و اعلام جهت سهولت کارخواننده و پژوهشگر است.

2- از جمله منابعی که به تحولات نظامی ایران در اواخر دوران قاجار اشاره داشته است، کتاب «تاریخ تحولات سیاسی نظامی ایران» می باشد. این کتاب تحولات نظام ایران را از آغاز قرن یازدهم هجری تا سال 1301 ه.ش مورد بررسی قرار داده است. نویسنده این کتاب، آقای «جهانگیر قائم مقامی» کتابهای ارزشمند دیگری از جمله «تاریخ ژاندارمری ایران» نگاشته است. در هر صورت منبع فوق، اطلاعات مبسوطی از چگونگی ایجاد قشون متحدالشکل ارائه می دهد. از جمله محاسن این کتاب، تغذیه شدن از منابع دسته اول و خارجی و زبان اصلی است.

3- کتاب سیری در تاریخ ارتش ایران، اثر میر حسین یکرنگیان یکی از منابعی است که بسیار حائز اهمیت می باشد. نویسنده خود، دوران پهلوی را تجربه کرد. به هر حال این منبع از عیب و نقص جانبداری خالی نیست. به جز مورد فوق که یکی از اصلی ترین نواقص یک مورخ می باشد. باید این مطلب را مد نظر قرار داد که برخی از تاریخ های ارائه شده در این کتاب چندان قابل اطمینان نیست. به طور مثال در صفحه 291 این کتاب ذکر شده که سازمان هنگ هوایی تبریز در سال 1314 بوجود آمد، این در حالی است که این هنگ در سال 1318 رسماً تشکیل گردید.

4- کتاب تاریخ ارتش 50 ساله نیروی زمینی شاهنشاهی، اثر محمد کاظمی، یکی از کتابهای بسیار مفید در زمینه نیروی زمینی دوران پهلوی اول و دوم می باشد. اما این کتاب نیز از عیب و نقص جانبداری خالی نیست. یکی از نواقص عمده ای که بر این کتاب سیطره افکنده این می باشد که در بسیاری از موارد مطالب خود را از روی کتاب تاریخ ارتش نوین ایران تالیف ستاد بزرگ ارتشتاران، نوشته و بدون هیچ تصحیحی آن را نگاشته است. به طور مثال، می توان صفحات 116 تا 118 ستاد ارتشتاران را با صفحات 176 تا 178 کتاب مورد نظر مغایرت داد.

5- خانم استفانی کرونین، یکی از پژوهشگران شایان تقدیر و تمجید دوران پهلوی می باشد. وی در زمینه ارتش دوران رضا خان مقالات و پژوهشهای ارزنده ای ارائه کرده است. یکی از کتابهای وی با نام «رضا شاه و شکل گیری ایران نوین»، در حقیقت در برگزیده مقالات متعددی است که نویسندگان مختلف آن را به نگارش درآوردند. همانطور که در قسمت ابتدایی این کتاب آمده، محصول فرآورده نهایی همایشی است که در سال 1999 در مدرسه مطالعات شرقی و آفریقایی دانشگاه لندن برگزار شد.

6- یکی دیگر از تلاشهای قابل توجه خانم استفانی کرونین، کتاب «ارتش و تشکیل حکومت پهلوی در ایران» می باشد. این کتاب که عملکردهای نظامی را در سالهای 1289 تا 1305 مورد بررسی قرار می دهد و بسیار زیبا و شایان تقدیر، تحلیل شده است. با تمام این تلاشها، در مبحثی از این کتاب به تناقضاتی در ارتش اشاره شده که تنها مختص به دوران ابتدایی تشکیل قشون متحدالشکل می باشد. این تناقضات همان اختلاف بین ژاندارمها و قزاق ها است، که با مطالعه کتاب احساس می شود نویسنده آن را به کل دوره رضاخان تعمیم می دهد. (این اشتباه شاید از طرف مترجم آن صورت گرفته باشد). به هر حال نمی توان تحقیق مذکور را به همان گونه که نوشته شده است قبول کرد و قسمتی از این کتاب مربوط به دیدگاه نویسنده است.

7- یکی از منابع بسیار مهم در حیطه بررسی تشکیلات نظامی دوران رضا شاه، کتاب «قشون متحدالشکل» اثر «باقر عاقلی» می باشد. نویسنده در سال 1307 بدینا آمده و خود در دوران رضاشاه حضور داشته است. همانطور که از اسم این کتاب پیداست، مختص به ارتش می باشد

و حیطةٔ زمانی اش نیز، سالهای 1300 تا 1320 یعنی دقیقاً کل دوران رضاخانی و رضا شاهی را در بر می گیرد. از محاسن این کتاب، ضمائم است که به صورت مقاله از نویسندگان مختلف در انتهای کار خود آورده است. همچنین در یک قسمت از این ضمائم، در مورد مقتولین و شهدای ارتش دوران پهلوی سخن می گوید.

8- کتاب «تاریخ ارتش نوین ایران» انتشار «ستاد بزرگ ارتشتاران» در زمان محمد رضا شاه پهلوی نگاشته شده است. این کتاب دارای 2 جلد می باشد که جلد نخست آن ضمن اشاره ای کودتاه به ارتش اواخر دورهٔ قاجار، تشکیلات نظامی را از سال 1300 تا 1320 خورشیدی معرفی می کند. جلد 2 که شخصاً آن را ندیده ام، مربوط به ارتش دورهٔ محمد رضا پهلوی می باشد. از معایب این کتاب، جانبداری است و این موضوع طبیعی است زیرا در دوران پهلوی نگاشته شده است. اهمیت این کتاب از آن جهت می باشد که نویسندگان و پژوهشگران زیادی از این منبع استفاده نموده اند. علاوه بر این می توان به ضمائم بسیار ارزندهٔ آن اشاره نمود که اطلاعات مفیدی در زمینهٔ سربازگیری یا نظام اجباری، آئین نامهٔ بسیج و فهرست انتشارات ارتش ارائه می دهند.

9- کتاب «تاریخ 25 سالهٔ ارتش شاهنشاهی ایران، اثر ذبیح الله قدیمی، از منابع بسیار حائز اهمیت می باشد. این کتاب، سازمان نظامی کشور را از اواخر دورهٔ قاجار تا سال 1320 بررسی نموده و به چند و چون لشکرکشی ها و برخورد های نظامی می پردازد. بهتر بود، نویسنده به جای توصیف محض، به بررسی و تحلیل ارگانها و عملیات های نظامی نیز می پرداخت. اینگونه می توانست، اهمیت اثر خود را چند برابر نماید.

10- منبع دیگر کتاب «تاریخ اقتصادی، سیاسی، اجتماعی و نظامی دوران رضاشاه کبیر» نوشتهٔ «محمد علی گرامی» می باشد. همانطور که از نام این کتاب پیداست، علاوه بر مسائل نظامی، مباحث اقتصادی و سیاسی و اجتماعی را نیز در برمی گیرد. اما بدلیل اینکه موضوع مورد نظر ما بررسی تشکیلات نظامی می باشد، از این قسم منبع فوق دارای اهمیت زیادی است. تشریح وقایع روز به روز حملهٔ متفقین در شهریور 1320 و واکنش های ارتش، همچنین اسناد ارائه شده در این کتاب از نقاط قوت و حائز اهمیت آن می باشد. کما اینکه نویسنده اصل بی طرفی را رعایت نکرده است.

فصل دوم : رضا شاه در آستانه قدرت گیری

1-2. سیر زندگی رضا شاه

در 16 مارس 1878 م مطابق با 24 اسفند 1255 شمسی در روستای الشت سواد کوه پسری به دنیا آمد که در سرنوشت کشور ایران بسیار تأثیر گذار بود. این پسر، رضا نام گرفت.¹ جد وی مرادعلی خان معروف به باوندی پهلوی یکی از سرگردان فوج سوادکوه بود. گفته شده ، وی در جنگ هرات شرکت داشت. پدر رضاخان ، عباسعلی خان فرمانده اول « فوج هفتم» سواد کوه بود. وی چندان فرصت این را پیدا نکرد ، زندگی فرزند خود را که در آینده کشور عظیم ایران نقش تأثیر گذاری را ایفا می کرد ، ببیند.²

در مورد نسب رضا شاه ، گفته شده رضا خان نسبت به باوندیان می‌رساند. مؤسس این سلسله (باو) می‌باشد. باوندیان کیوسی یا باندویان پهلوی از نوادگان ساسانیان می‌باشند . از آنجا که ساسانیان نسب خود را به هخامنشیان و هخامنشیان به کیانیان نسب می‌رسانند ، می‌توان فهمید که رضا خان نسب خود را به کیانیان می‌رساند.³

¹ - ذبیح الله قدیمی ، تاریخ 25 ساله ارتش شاهنشاهی ایران ، بی نا ، 1326 ، ص 45

² - همان ص 57 تا 53

³ = اعتمادالدوله ، تاریخ جبل شروین ص 42 - مولانا اولیا اله میرظهیراله بن آملی تاریخ رویان ، 764 ، ص 27

از آنجا که هر پادشاه و هر طالب قدرتی برای کسب مشروعیت و جلب توجه عامه در طول تاریخ این روند را در پیش می‌گرفت، چه بسا رضاخان نیز بعد از به قدرت رسیدن، خود دستور این گفتار را صادر کرده باشد. شاید هم مورخین برای جلب توجه شاه و تملق و چاپلوسی دست به این اقدام زده باشد. اما چون تاریخ رویان و جبل شروتین سالها قبل از تولد رضاخان نوشته شدند و به باوندی بودن جد رضاشاه اشاره نمودند، جای شک و شبهه کمتری به جای می‌ماند.

هنوز ده روز از زندگی کودک نگذشته بود که پدرش دیده از جهان فرویست. مادر رضا که نوش‌آفرین نام داشت به همراه فرزند خود به سوی برادرش که در حیاط قزاقخانه بود، عازم شد. اما در بین راه در ناحیه سرگدوک فیروزکوه، پادشاه آینده ایران دچار بیماری شدیدی شد. به طوری که از شدت سرما به اغما رفت. مادر طفل به گمان اینکه فرزندش مرده است، وی را در اصطبلی رها نمود و به سوی تهران به راه افتاد. اما بر حسب اتفاق قافله‌ای دیگر از راه می‌رسد و طفل را گریان می‌یابد، این موضوع مقدمه نجات کودک شد تا اینکه وضع جسمی کودک بهتر شده و به مادرش برگردانده شد. پس از این است که سرپرستی کودک بر عهده عمویش یعنی سرهنگ نصرالله خان، فرمانده فوج سوادکوه گماشته می‌شود.¹

رضاخان در نوجوانی به یک فرد شرور و سرکش تبدیل گردید. وی برای تهیه نان و گردش زندگی به کارهای مختلفی از جمله شاگردی مغازه آهنگری و کارگری در اصطبل خانه سفارت انگلیسی گمارده شد.²

رضا خان تا سن 14 سالگی هیچ آموزشی ندید. در 15 سالگی، به واسطه عمویش به عنوان قزاق پیاده به فوج سواد کوه راه پیدا کرد. قرار شد به جای سربازان غائب یا بیمار در فوج شرکت کند. (رضا حقوقی دریافت نمی‌کرد و فقط دو جیره غذا می‌گرفت) پس از دو سال به طور رسمی در فوج استخدام شد و ماهی 3 تومان حقوق دریافت می‌کرد. وی سه سال در سفارت هلند و سه سال در سفارت بلژیک هم نگهبانی داد.³

در سال 1319 رضاخان سرگروهان محافظین بانک استقراضی روسیه شد و با عنوان وکیل باشی به مشهد منتقل گردید. اما سختگیریهایی که از سوی رضاخان با ارباب رجوع به عمل می‌آمد، هم بیانگر خوی نظامی این فرد می‌باشد و هم گویای نامناسب بودن این فرد در این سمت است بنابراین رضاخان

¹- باقر عاقلی، رضا شاه و قشون متحدالشکل، تهران، نامک، 1377، ص 18 و 17

²- ابراهیم حدیدی، رضا پهلوی از تولد تا کودتا، اعتماد ملی، 1388، 903، ص 16

³- باقر عاقلی، همان، ص 18

به تهران بازگشت و در آتریاد قزاق تهران مشغول به کار گردید. در این هنگام وی وکیل باشی گروهان شصت تیر گردید.¹

رضاخان تحصیلات ناچیزی داشت. وی خواندن و نوشتن را پس از رسیدن به سن بلوغ آموخت.² در سال 1324 قمری زمانی که عین‌الدوله به خواست مردم از صدراعظمی عزل گردید، برای محافظت از جان خود، با عده‌ای قزاق به فریمان رفت. در مدت 5 ماهی که رضاخان در نزد عین‌الدوله بود به سفارش ایشان در اوقات فراغت خود مشغول به تحصیل شد و خواندن و نوشتن را فرا گرفت.³

اما ستاره اقبال رضاخان با مرگ عبدالله خان معروف به مازور سرهنگ شروع به درخشیدن نمود. زیرا بر اثر لیاقت‌های فردی رضاخان و تبحر وی در به کار بردن شصت تیر (به علت مهارت رضاخان در استفاده از شصت تیر به وی رضاخان شصت تیر می‌گفتند) به درجه افسری فرمانده گروهان شصت تیر دست یافت.⁴ پس از این بود که وی ملقب به رضا خان ماکسیم گردید. دلیل این شهرت بدان جهت بود که به وی مأموریت دادند پس از مهارت استفاده از شصت تیر، تحت نظارت کارشناسان روسی طرز کار با مسلسل ماکسیم را هم یاد بگیرد. چون پس از چندی یگانه کسی بود که در این زمینه تبحر داشت، به رضا خان ماکسیم⁵ مشهور شد.⁶

از این پس رضاخان گام به گام جلو می‌رفت و شهرت خود را افزون می‌نمود. وی رشادهای شایان تقدیری در جنگهای مختلف از خود به نمایش گمارد. شهامت و جسارت یکی از خصوصیات بود که پله‌های ترقی را برای این فرد جاه طلب هموار می‌نمود. اما در این بین یک کودتای کوچک باعث بالا رفتن هر چه بیشتر و زیانزد شدن نام وی گردید. این کودتا که توسط رضاخان به انجام رسید، باعث برکناری کلوزه⁷ رئیس قزاق‌ها و به روی کارآمدن استاروسلسکی⁸ گردید.⁹ رضاخان ابتدا در سال 1297 به درجه سرتیپی رسید و در همین سال فرمانده فوج تیراندازان آتریاد همدان شد. پس از این فرمانده

¹- همان، ص 20

²- استفانی کروفرین، رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین، مرتضی ناقبفر، انتشارات جامی، ج اول، 1384، ص 129

³- باقرعاقلی، رضا شاه و قشون متحدالشکل، ص 21

⁴= ذبیح‌الله قدیمی، تاریخ 25 ساله ارتش شاهنشاهی - باقر عاقلی، همان، ص 21

⁵- maxim

⁶- رضا نیازمند، رضا شاه از تولد تا سلطنت، دنیای کتاب، تهران، چ اول، 1383

⁷- kelozhe

⁸- starosolski

⁹- باقر عاقلی، همان، ص 23

فوج پیاده آتریاد گردید و به تدریج درجه خود را ارتقاء بخشید تا اینکه به سمت فرماندهی آتریاد تهران دست پیدا نمود.¹

به غیر از رشادت در جنگهای داخلی که باعث اوج گرفتن شهرت رضاخان شصت تیرگردید، حرکت در جنگ بین‌الملل اول به عنوان یک تیرانداز در همدان تا سرهنگی در گردان پیاده آتریاد همدان از عوامل شهیر شدن او بود. وی در سال 1338 قمری به درجه و نشان و حمایل سرتیپی دست پیدا کرد و در محاربات گیلان به رتبه میرپنجه رسید.² در سال 1299 شمسی یک اقدام شجاعانه و جسورانه باعث شد نام رضاخان ورد زبانها گردد. این اقدام شلاق زدن یک افسر روس در هنگام توقف اردوی قزاق در آق بابای قزوین بود. این در حالی بود که افسران روس از کشور اخراج شده بودند، در حالی که افسر مذکور با لباس رسمی در قزوین می‌گشت.³

زمانی که رضاخان در یک کودتا توانست وارد تهران شود، هیچکس فکر نمی‌کرد گامهای وی برای تبدیل رضاخان به رضاشاهی برداشته می‌شود. وی در اسفند ماه 1299 باهنگ تابع خود وارد تهران گردید و موفق شد پله‌های ترقی خود را هموار نماید. شاه قاجار برای آرام کردن اوضاع، ابتدا به رضاخان ریاست دیویزیون را اعطا نمود. اما این مقام خوی حریص رضاخان را راضی ننمود و پیوسته در فکر ارتقاء مقام خود بود. به همین دلیل در 4 اردیبهشت 1300 با کنار زدن مسعود خان کیهان وزارت جنگ را در اختیار گرفت.⁴ اما در طی 9 ماه آینده اقداماتی از رضاخان در حال شکل‌گیری بود (در فصل‌های آتی از آن بحث خواهد شد) که دقیقاً بیانگر طبع نظامی و چندین سال زندگی در بین نظامیان می‌باشد. البته بدنیا آمدن در خانواده‌ای نظامی (جد، پدر و عموی رضاخان از نظامیان سواد کوه بودند) مزید بر علت شده بود. حال این اقدامات، متدی از پیش طراحی شده بود یا نه، در فصل‌های آینده مورد بررسی قرار خواهد گرفت. همچنین عنوان خواهد شد که چرا و چگونه می‌توانست، ارتش یکی از پایه‌های قدرت رضاشاه را تشکیل دهد.

¹- همان، ص 24

²- ذبیح‌الله قدیمی، تاریخ 25 ساله ارتش شاهنشاهی، ص 55

³- باقر عاقلی، رضا شاه و قشون متحدالشکل، ص 26

⁴- پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، احمد گل محمد و محمدابراهیم فتاحی، تهران " نشرنی، 1387، چاپ 13، ص 148 - جهانگیر قائم

مقامی، تحولات سیاسی نظام ایران، بی‌نا، بی‌سا، ص 140

تنها دو سال زمان برای رضاخان کافی بود که به مقام نخست وزیری هم نائل گردد وی در سال 1302 به جای مشیرالدوله به این عنوان دست یافت.¹ همچنین در اوایل سال 1303، رضاخان بقدری قدرتمند شده بود که توانست لقب فرماندهی کل قوا را تصاحب نماید.² در این هنگام که شاه قاجار در اروپا مشغول خوش گذرانی بود، آنقدر در بین مردم از وجهه‌اش کاسته شد که به «احمد علاف» معروف گردید. وی در زمانی که رضاخان تمام عناوین بالای حکومتی را از آن خود می‌نمود، اعلام کرد، دیگر به رضا اعتماد ندارد و دستور خلع وی را صادر نمود، بدین ترتیب رضاخان برکنار گردید. اما آنقدر جای پای پادشاه آینده ایران محکم شده بود که علی دشتی در روزنامه خود بنویسید: «پدر ملت رفت»³. این اتفاق زمانی به وقوع پیوست که افسران نظامی، روزنامه نگاران و حتی روحانیون و نخبگان اعضای باشگاه جوان پشتیبان رضاخان بودند.⁴

سالهای 1300 تا 1304 را می‌توان سالهای در انتظار پادشاهی نامید. در این چهار سال رضاخان یک بار هم برای جمهوری خواهی اقدام نمود. اما زمانی که چندین هزار نفر جمعیت بر علیه جمهوری طلبان به مجلس ملی رفتند و خواهان لغو جمهوری شدند. رضاخان در یک تلگراف، صحبت در مورد جمهوری را موقوف نمود.⁵ رضاخان یک بار هم طی یک تلگرافی به طور نمادین از تمام کارها و مناسب خود استعفا داد و دلیل آن را، تحریکات کارکنان و عوامل خارجی اعلام نمود. اما به خواست مجلس شورای ملی و توده ملت عنوان نمود که بر مقام خود باز خواهد گشت.⁶ سرانجام در آذر ماه 1304 شمسی رضاخان از مجلس خواست تا برای خلع قاجار اقدام نماید و وی پیشنهاد تشکیل مجلس مؤسسان را داد که خودش ریاست آن را بعهده داشت.

«پس از چندی مطالعه و مذاکره در جلسه شنبه نهم آبان ماه، انقراض سلطنت قاجاریه را اعلان نموده و ریاست حکومت موقتی را به اینجانب واگذار کرد، تا اینکه مجلس مؤسسان به فوریت تکلیف قطعی حکومت آتیه مملکت را معین نماید. این است که در تعقیب رأی مجلس شورای ملی انقراض سلطنت را از آل قاجار به دست گرفتن حکومت موقتی را

¹- استفانی کرونین، رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین، ص 37

²- پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص 150

³- ملک‌الشعراى بهار، تاریخ مختصر احزاب سیاسی، ج 2، تهران، امیرکبیر، 1363، ص 667

⁴- استفانی کرونین، همان، ص 58

⁵- خاطرات سردار اسعد بختیاری (میربهدار)، تهران، اساطیر، 1372، ص 110

⁶- همان، ص 114

بوسیله این اعلامیه رسماً اعلان می‌کنم. امیدوارم که تمام علاقه‌مندان به سعادت مملکت در حفظ مصالح عمومی با من کمک نمایند.»

(رئیس حکومت موقتی مملکت و رئیس عال کل قوا -

رضا)¹

اما سقوط قاجار پایان کار نبود، زیرا بالاخره انتظار وی به سرآمد. وی ابتدا در روز 24 آذر ماه 1304 در مجلس شورای ملی حضور یافت و قسم نامه امضا کرد و فردای آن روز بر تخت سلطنت تکیه زد.² در روز یکشنبه 4 اردیبهشت 1305، با پوشیدن لباس نظامی ملبّس به جواهرات سلطنتی با نام شاه ایران تاجگذاری نمود.³ بدین ترتیب رضاخان به عنوان نخستین پادشاه خاندان پهلوی، بنیان‌گذار این سلسله شد.

پس از این رضا شاه دستور داد، هر کس برای خود نام خانوادگی انتخاب نماید. در این هنگام وی برای خود نام خانوادگی پهلوی را برگزید. برخی از نویسندگان این وجه تسمیه را برگرفته از نام ایل رضاخان به نام پلانی می‌دانند. از جهت دیگر گفته شده، اجداد رضاخان معروف به پهلوان می‌باشند.⁴ عده‌ای دیگر از نویسندگان واژه پهلوی را برگرفته از پهلون یا هلون می‌دانند که از دو قسمت پهل یا پهله و با تلفظ الاشتی‌ها پاهل + ون (پسوند نسبت) تشکیل شده است. به این ترتیب پهلون یا پاهلون یعنی پهله‌ای یا اهل پهله که از شهرهای ماسابدان با مرکز شیروان می‌باشد.⁵

به گفتهٔ یرواند آبراهامیان دولت رضاشاه برسه پایه استوار بود: « ارتش قدرتمند، بوروکراسی مدرن و پشتیبانی گستردهٔ دربار»⁶. تلاش بی‌وقفهٔ رضا پهلوی برای ارتش و مدرنیزه کردن آن خواه ناخواه این فکر را به ذهن هر نویسنده و خواننده و جویای علم می‌افکند که ارتش می‌تواند یکی از پایه‌های قدرت وی باشد. رضا شاه در مقام پادشاهی از قدرت سیاسی خود چشم‌پوشید و ایران را به اجبار در مسیری قرار داد که برخی از نویسندگان آن را «مدلسازی به سبک غرب» نامیده‌اند.⁷ شاه جدید ایران در سال

¹- عبدالله امیر طهماسب، تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه کبیر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، 2535، ص 275

²- عبدالله امیر طهماسب، تاریخ شاهنشاهی اعلیحضرت رضا شاه کبیر، تهران، انتشارات دانشگاه تهران، ص 618 و 623

³- یرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص 150

⁴- رضا نیازمند، از تولد تا سلطنت، ص 67 و 66

⁵- کیوان پهلوی، از الشتر تا آلاشت، انتشارات آرون، 1384، چاپ دوم، ص 99

⁶- یرواند آبراهامیان، همان، ص 186

⁷- مایکل زیرپسکی در کتاب «رضاشاه و شکل‌گیری ایران نوین» از استغافی کرونین، ص 130

1306 قانون کاپیتولاسیون را لغو نمود.¹ همچنین وی قرارداد جدیدی بین شرکت نفت ایران و انگلیس منعقد نمود، و این قرارداد امتیازات تازه‌ای به همراه داشت. اما از پذیرفتن وام‌های خارجی امتناع می‌ورزید و با افزایش مالیات‌های غیرمستقیم، مانند مالیات برقند و چای، تمام همت خود را برای ایجاد راه‌آهن سراسری در کشور گمارد. بدین ترتیب در عرض 9 سال تمامی مخارج ایجاد راه‌آهن را تأمین نمود.² تنها مسافرت خارجی رضا شاه که تأثیر عمیقی بر روند کشورداری وی گذاشت، باز می‌گردد به 12 خرداد 1313، که همراه با 18 تن از همراهان خود به ترکیه وارد شد. در این زمان، زمام امور ترکیه به دست آتاتورک بود.³ همراهان رضا شاه که عبارت بودند از افسران ارتش و رجال سیاسی، به مدت 26 روز در ترکیه اقامت نمودند.⁴ البته رضا شاه در زمان نخست وزیریش اولین کسی بود که تغییر حکومت را به آتاتورک تبریک گفت و یک جلد کلام الله مجید و یک قبضه شمشیر مرصع به عنوان هدیه برای آتاتورک فرستاد.⁵

همایون (محمدعلی) کاتوزیان معتقد است که پادشاهی رضا شاه از دو دورهٔ دیکتاتوری و استبدادی شکل گرفته است. دورهٔ اول که با قدرت همراه است و رفع هرج و مرج سالهای بین 1299 تا 1310 را در برمی‌گیرد. و دورهٔ دوم سالهای بین 1310 تا 1320 که سالهای بازگشت به پیش از مشروطه نامیده است.⁶ این مطلب خود گویای از بین رفتن پایگاه‌های اجتماعی رضاشاه و سقوط در اذهان عامه می‌باشد. یعنی در این هنگام کسانی که پشتیبان رضا شاه بودند یا از بین رفته‌اند یا از او دل‌سرد شدند.

آنچه سرنوشت پادشاهی رضا پهلوی را مشخص نمود، بروز جنگ جهانی دوم بود. دل‌بستگی شاه ایران به آلمانی‌ها و حضور مستشاران آلمانی در ایران بهانه‌ای بدست متفقین داد تا هجوم خود را موجه جلوه دهند. این در حالی بود که ایران از ابتدای جنگ جهانی دوم اعلان بی‌طرفی نموده بود. اشغال متفقین چنان سریع بود که حتی فرماندهان عالی ارتش نیز چنین پیش‌بینی نکرده بودند.⁷ در این هنگام رضا شاه شخصاً و بدون اطلاع برای اولین بار به منزل فروغی رفت فروغی برای مذاکره با متفقین راهی شد. طی یازده روز مذاکره، فروغی موفق شد پیشنهاد صلح دهد. به شرط اینکه رضا شاه خلع گردد و ولیعهد وی

¹- همان، ص 130

²- هوشنگ عامری، از رضا شاه تا محمدرضا شاه، کتاب پارسه، تهران، 1387

³- تورج اتابکی، مدرن سازی در ایران و ترکیه، اعتماد ملعی، 1388، 903، ص 17

⁴- استفانی کرونین، رضا شاه و شکل‌گیری ایران نوین، ص 154

⁵- تورج اتابکی، همان، ص 17

⁶- همایون کاتوزیان، رضاخان از دیکتاتوری مدرن تا استبدادی سنتی، اعتماد ملی، 903، ص 16

⁷- پرواند آبراهامیان، ایران بین دو انقلاب، ص 202